

بررسی تأثیر فضای سایبر در تحولات سیاسی شمال آفریقا (تونس و مصر ۲۰۱۱)

محسن نجفی*

دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی najafi1344@yahoo.com

حسین پوراحمدی

استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی h-pourahmadi@sbu.ac.ir

محمدرضا تاجیک

دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی m_tajik@sbu.ac.ir

چکیده

هدف: در دو دهه اخیر رسانه‌های نوین با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد، به یکی از عناصر برجسته در شکل‌دهی به تحولات اجتماعی-سیاسی جوامع تبدیل شده‌اند. بررسی نقش این رسانه‌ها در تکوین تحولات هشت سال قبل شمال آفریقا هدفی است که این مقاله در پی فهم و توضیح آن می‌باشد. امید که با درک درست مسئله، به تبیین مناسب و واقع‌گرایانه تأثیر فضای سایبر بر کشورمان، نائل شویم.

روش: روش مورد استفاده در این مقاله روش توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش‌شناسی پست-مدرن می‌باشد. این روش با توجه به مولفه‌هایی مثل «فرو ریختن قطعیت‌ها»، «شالوده شکنی»، «توجه به انواع متعدد قدرت، هویت و گفتمان» و «ارایه تصویری سیال، شبکه‌ای و فاقد مرکز از قدرت» با نتایج حاصله از «انقلاب سایبر» و نیز آرا نظریه پردازانی چون «کاستلز» و «جوزف‌نای» بهتر هم‌خوانی دارد.

یافته‌ها: واکوی‌ها مویده آن است که شبکه‌های ارتباطی، در مصر و تونس، باعث آشنایی هرچه بیشتر مردم با شکل‌های نوین زندگی و تشکیلات حکومتی متفاوت و طرح تقاضاهای جدید در جامعه شد و به تدریج موجب تغییر در نگرش‌ها و ایده‌آل‌های مردم به ویژه نسل جوان از زندگی و نهایتاً دگرگونی در انتظارات از حکومت و حاکمان گردید. علاوه بر این وضعیت جدید، پتانسیل نیروهای سیاسی مخالف که در طول دهه‌های متوالی سرکوب شده بودند، را آزاد و تعادل را به نفع نیروهای ضدحکومتی برهم زد.

نتیجه‌گیری: شبکه‌های ارتباطی اگرچه علت انقلاب در شمال آفریقا نبودند؛ اما با کارکردی «پست‌مدرنیستی»، در فضایی مملو از بحران‌های مختلف با آگاه‌سازی عمومی، سازماندهی اعتراضات، گسترش ارتباطات و بسیج‌کنندگی سیاسی توانستند بحران مشروعیت و ناکارآمدی حاکمیت‌های اقتدارطلب را افشا و با سراسری و جهانی کردن اعتراضات، در نهایت سقوط این نظام‌ها را تسهیل و تسریع نمایند.

واژگان کلیدی: فضای سایبر، تحولات سیاسی، جنبش‌های اجتماعی، انقلاب فیس‌بوکی، ویکی‌انقلاب

**Impact of Cyber Space on Political Changes in North Africa
(Tunisia and Egypt 2011)**

Mohsen Najafi*

Ph.D. Student of Political Science, Shahid Beheshti University, najafi1344@yahoo.com

Hossein Pourahmadi

Professor, Department of Political Science and International Relations . Shahid Beheshti University, h-pourahmadi@sbu.ac.ir

Mohammad Reza Tajik

Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Shahid Beheshti University, m_tajik@sbu.ac.ir

Abstract

Objective:In the last two decades, modern media have been one of the most elaborate elements in shaping the socio-political changes of societies.

The role of these media in the changes in North Africa is the goal that this article seeks to understand and explain. It is hoped that with proper understanding of the problem, we will achieve a proper explanation of the impact of cyberspace on our country.

Method: The method is a descriptive-analytical method utilizing library resources and postmodern methodology. This method is based on components such as «collapse of certainty», "deconstruction", "attention to various types of power, identity and discourse" and "presentation pictorial of a fluid, networked, and lacking center of power" with the results of " Cyber Revolution ".

Results: Communication networks in Egypt and Tunisia made people more familiar with the new forms of life and different government structures and new demands, and gradually changed the attitudes and ideals of the people, and eventually, changed in the expectations of government and rulers. This new situation undermined the potential of the opposing political forces that were suppressed over the course of decades and balanced the interests of the anti-government forces.

Conclusion:Communication networks, although not the cause of the revolution in northern Africa, but with the function of "postmodernism", in context full of different fears, with general awareness, organizing protests, expanding communication, and political mobilization, exposed the crisis of legitimacy and disfunctionality of authoritarian sovereignty. And globalization of protests will ultimately expedite the collapse of these systems.

Key words: Cyber Space, Political Changes, Social Movements, Facebook Revolution, Wiki Revolution.

مقدمه

شکی نیست فضای سایبر، کم‌وبیش همه جوامع را تحت تأثیر قرار داده است و بدین لحاظ صاحب‌نظرانی مثل «کاستلز» و «دایک»، بخشی از مطالعات همه‌جانبه خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند. تأثیر این پدیده بر حیات فردی و اجتماعی و سیاسی جوامع آن‌چنان شگرف است که اگر تا دو دهه پیش تصویری شد، هر انسانی در این کره خاکی، با دو دنیای درهم‌پیچیده، یکی واقعی و دیگری مجازی روبه‌رو است که یک‌دیگر را «بازنمایی»^۱ و حتی «بازتولید»^۲ می‌کنند (عاملی، ۱۳۹۲: ۱۵۳). امروزه نحوه ارتباط این دو، آن‌چنان فضایی ایجاد کرده است که افراد هم‌زمان در هر دو فضا حضور داشته و هستی‌شان را در این دو مرتبط می‌کنند. مثال روشن از کنش و واکنش این دو دنیا و مرز ناپیدای بین آن‌ها را، می‌توان در رخداد‌های «بهار عربی»^۳ یا ماجراهای انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری ایران مشاهده کرد که نمونه‌های کلان یکپارچگی اتفاقات زندگی مجازی و واقعی را نشان می‌دهند. ما در این جستار در پی آن هستیم با تکیه بر داده‌های موجود به نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات دو کشور مهم خاورمیانه یعنی مصر و تونس (در سال ۲۰۱۱)، اشاره کنیم. این بررسی ضمن آنکه اشراف ما بر موضوع را بیشتر می‌کند با فراهم کردن مقایسه‌ای ضمنی، قضاوت ما را نسبت به تأثیر فضای سایبری در کشورمان به‌ویژه در «تحولات سیاسی» و «ساخت قدرت» در یک دهه اخیر شفاف‌تر خواهد کرد.

پیشینه تحقیق

در مورد موضوع مورد بحث، بخشی از آثار به زبان لاتین در «ادبیات تحقیق» این مقاله ذکر شده‌اند، اما در زبان فارسی تعداد مقاله‌های نگاشته شده به‌مراتب بیشتر از کتاب‌هایی است که در این حوزه تحریر شده است. سواى مطالب ژورنالیستی، در مجموع پژوهش‌های علمی و دانشگاهی انجام‌شده در این حوزه را می‌توان در چند گروه دسته‌بندی کرد: ۱. تحقیقاتی که با رویکرد دینی و اسلامی به بررسی موضوع پرداخته‌اند. این دسته از آثار، خیزش‌های انقلابی در کشورهای اسلامی از جمله در مصر و تونس را الهام گرفته از اسلام و انقلاب اسلامی ایران ارزیابی کرده و از واژه «بیداری اسلامی»^۴ در این خصوص نام می‌برند. به‌عنوان نمونه کوه‌کن و عباسی (۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۰۷)، حاتمی (۱۳۹۲: ۱۲۵-۱۰۵)، نیز حاتمی و اسماعیلی (۱۳۹۰: ۶۵-۸۴) و خواجه‌سروی (۱۳۹۱: ۴۰-۵) نقش جریان‌های اسلام‌گرا در شکل‌گیری «پدیده بیداری اسلامی» را کاوش کرده‌اند. ۲. گروهی دیگر با توجه به ویژگی‌های موجود در این وقایع، به واکاوی موضوع از منظر «جنبش‌های اجتماعی جدید»^۵ پرداخته‌اند. مثلاً هرسیچ و ابراهیمی (۱۳۹۶: ۱۲۳-۹۵) از چنین منظری به تحلیل رویدادها پرداخته‌اند. ۳. رشد سریع جهانی‌شدن

1. Representation
2. Reproduce
3. Arab Spring
4. Islamic Awakening
5. New social movements

و به دنبال آن شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای هم از جمله عواملی هستند که در برخی از تحلیل‌های دانشگاهی، در آنالیز تحولات مورد بحث به‌عنوان عامل اصلی نام برده شده‌اند. جهانی‌شدن و ترکیب آن با عوامل جامعه‌شناختی، هویت، فرهنگ و تأکید بر نقش گفتمان‌هایی همچون مردم‌سالاری و اسلام‌گرایی از جمله عناصری است که در این نوع از تحلیل‌ها دیده می‌شود. به‌عنوان مثال صدرا (۱۳۹۲: ۶۲-۳۳) و امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۳: ۱۶۲-۱۴۱) چنین نگرشی دارند. ۴. ترکیبی از عوامل فناوری اطلاعات، جهانی‌شدن و «ژئوپلیتیک عمومی»^۱ و دولت‌محور (خاص) هم در برخی از تحلیل‌ها دیده می‌شود؛ مثلاً بدیعی و میراحمدی (۱۳۹۱: ۳۳-۱)، مقصودی و حیدری (۱۳۹۰: ۷۳-۴۱) احمدی پور (۱۳۹۶: ۲۴-۱) چنین رویکردی داشته‌اند.

آثار موجود عموماً در دسته‌بندی چهارگانه مذکور جای می‌گیرند. در پژوهش حاضر سعی شده است علاوه بر توجه به مفهوم محوری با رویکردی کل‌گرایانه، چهارچوبی جدلی بین درون و برون، عین و ذهن، فرد و ساختار، محلی و جهانی برای فهم بهتر موضوع برقرار شود؛ بنابراین، نوشتار حاضر را می‌توان فراتر از مصادیق ذکر شده و کوششی برای فرا رفتن از سطح انتزاع به انضمام دانست، زیرا از یکسو قابلیت تعمیم‌پذیری دارد و از سوی دیگر، ناظر به تقابل آزادی‌خواهی با استبداد و مشارکت و احساس وجود در برابر انفعال و تحقیر در خاورمیانه است.

مبانی نظری

برای بررسی تأثیر انقلاب ارتباطات و فضای سایبری، می‌توان از آرای صاحب‌نظرانی مثل تافلر، گیدنز، شیلر، دایک، متفکران مکتب «فونکسیونالیسم»^۲ و «نظریه سیستم‌ها»^۳ استفاده و از اندیشه‌های آنان در این خصوص بهره گرفت، اما به عقیده ما، نظر «مانوئل کاستلز»^۴ و «یورگن هابرماس»^۵ و تئوری «قدرت نرم» جوزف نای،^۶ با موضوع مورد بحث، بیشتر مرتبط و تبیین‌کننده است؛ بنابراین، در اینجا ابتدا به‌اجمال به دیدگاه‌های این افراد می‌پردازیم و در آخر نظر خود را نسبت به آرای آنان خواهیم کرد. کاستلز در آثار متعدد خویش به تئوری‌پردازی در باب انقلاب ارتباطات پرداخته و سعی می‌کند با رویکردی نوین، تحلیلی سرشار از داده‌ها را در خصوص روندهای جاری و آتی تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در نقاط مختلف جهان فراهم کند که در حال دگرگون ساختن دولت‌ها، قومیت‌ها و ایدئولوژی‌ها در اکناف جهان هستند. وی معتقد است که ما اکنون در جهانی زندگی می‌کنیم که به لحاظ بسیاری از خصوصیات ساختاری‌اش، پدیده‌ای نوین و از هر لحاظ متفاوت با «جامعه توده‌ای»^۷ است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۱۷). چندپاره شدن دولت، پیش‌بینی‌ناپذیر شدن نظام‌های سیاسی،

1. General geopolitics
2. Functionalism
3. System theory
4. Manuel Castells General geopolitics
5. Jürgen Habermas
6. Joseph Nye
7. Mass society

منسوخ شدن نظام‌های حزبی، تقویت مشارکت سیاسی و ارتباط افقی میان شهروندان، فراهم شدن امکانات برای مباحثه در عرصه‌ای خودمختار، مشکل شدن یکپارچگی و تمرکزگرایی اقتدار، باعث ایجاد یک هندسه جدید قدرت و شکل نوینی از دولت، یعنی «دولت شبکه‌ای»^۱، شده است (کاستلز، ج ۲، ۱۳۸۹: ۴۱۹-۴۱۶؛ کاستلز، ج ۳، ۱۳۸۹: ۴۲۹). «سیاست اطلاعاتی»^۲ که عمدتاً به وسیله دست‌کاری نمادها در فضای رسانه‌ها اجرا می‌شود، با این جهان دائماً دگرگون‌شونده روابط قدرت بسیار متناسب است. در عرصه سیاست دیگر تقسیم‌بندی‌های طبقاتی، ایدئولوژیک و کنترل حزبی وجود نخواهد داشت و نبردهای قدرت، عمدتاً در رسانه‌ها یا از طریق آن‌ها صورت می‌گیرد.

در این دوره، سلطه و مقاومت نسبت به آن، نسبت به میزهای پیشین تغییر یافته‌اند. قدرت حکمرانی می‌کند و «پاد قدرت‌ها»^۳ به مبارزه برمی‌خیزند. دولت محدودیت‌های فراوانی یافته و قدرت در اختیار انواع مختلف کنشگران اجتماعی قرار می‌گیرد. در فضای تاریخی امروز، سیاست در وهله اول معطوف به «سیاست‌های رسانه‌ای»^۴ است. رهبران سیاسی که در رسانه‌ها حضور نداشته باشند، در ذهن عموم نیز وجود نخواهند داشت. «زمانی که کنترل ارتباطات به شکست بیانجامد، رژیم‌های اقتدارگرا، بسته به چگونگی تغییر سیاسی آغوش خود را به سوی مرگ می‌کشایند» (کاستلز، ۱۳۹۳: ۳۹۰). رسانه‌ها دیگر «رکن چهارم مردم‌سالاری» نیستند، بلکه «فضای ساخته‌شدن قدرت» به حساب می‌آیند. رسانه‌های جدید با طرح وسیع «سیاست‌های افشاگرانه»^۵، اعتماد را در سیستم سیاسی تخریب می‌کنند و امکان دارد این امر به «بسیج اجتماعی»^۶ برای تغییرات سیاسی بیانجامد (کاستلز، ۱۳۹۳، ص. ۵۳۰). در این وضعیت ممکن است «مقاومت اجتماعی»^۷ و «گروه اجتماعی نافرمان»^۸ را شکل دهد که عامل ایجاد آن، سرخوردگی افراد است (کاستلز، ۱۳۹۳: ۶۵۹)؛ بنابراین، آنچه باعث شکل‌دهی لحظه‌ای گروه‌های اجتماعی مقاوم و نافرمان در برابر سلطه می‌شود، فناوری ارتباطی جدید است. با این توضیحات، کاستلز جنبش‌های سیاسی جدید را با جنبش‌های کلاسیک متفاوت می‌بیند. جنبش‌های نوین به‌طور هم‌زمان «محلی و جهانی»^۹ و از لحاظ پیدایش، تا اندازه‌ای «خودجوش»^{۱۰} اند و معمولاً بر اثر خشم شدید و اوج نفرت از کنش‌های حاکمان برانگیخته شده و به تبعیت از منطق شبکه‌های اینترنتی «ویروسی» می‌شوند. از منظر کاستلز، اینترنت شرایط را برای شکلی از عمل مشترک فراهم می‌کند که به جنبش بی‌رهبر، امکان بقاء، هم‌اندیشی، هماهنگی و گسترش می‌دهد (کاستلز، ۱۳۹۴: ۹۴). شورشیان سیاسی با

1. Network government
2. Information Policy
3. Anti-power
4. Media policy
5. Disclosure policies
6. Social mobilization
7. Social resistance
8. Disobedient social group
9. Local and global
10. spontaneous

طرح اطلاعات جدید، اقدام‌های جدید و کنشگران جدید، غیرقابل‌اجتناب بودن سیاست‌های معمول را به چالش می‌کشند. شبکه‌های ارتباطی اجزای اساسی «ایجاد قدرت» و «پاد قدرت سیاسی» هستند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۷۵۵). کاستلز معتقد است که گسترش فناوری ارتباطی، در چارچوب شماری از عوامل زمینه‌ای، راه را برای دموکراتیزاسیون دولت و نیز افزایش چالش‌های دیکتاتوری‌ها هموار می‌کند. به باور برخی صاحب‌نظران، نظریه «حوزه عمومی»^۲ هابرماس هم تا حدود زیادی تبیین‌کننده موضوع مورد بحث ما در این پژوهش است. هابرماس معتقد است «زندگی سیاسی دموکراتیک فقط درجایی رشد می‌کند که نهادهای موجود امکان بحث درباره امور مهم همگانی را برای شهروندان فراهم کنند» (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۹۱: ۲۴۳). ضروری‌ترین چیز برای رسیدن به این امر، وجود یک حوزه عمومی فعال است. «این حوزه همگانی بخشی از حکومت نیست، بلکه برعکس، حوزه‌ای است که طی آن با فعالیت‌های حکومت مقابله شده و آن را با انتقاد مواجه می‌کند» (تامپسون، ۱۳۸۹: ۸۸). این حوزه را باید در حکم یک «شبکه»^۳ دید که جریان ارتباطات در آن تصفیه و ترکیب شده و پس از تلخیص به صورت «افکار عمومی»^۴ درمی‌آید (استونز، ۱۳۹۲: ۳۱۵). به گفته هابرماس، «جهانی‌شدن»^۵ حوزه عمومی شهروندان را نیز جهانی کرده است. بدین ترتیب دامنه توجه و عمل روشنفکران سیاسی، نیز ناگزیر جهانی شده است. «افول دوران ملت-دولت، روشنفکران را واداشته است که مسائل خود را به گونه بی‌سابقه‌ای، جهان‌شمول کنند» (هابرماس، ۱۳۹۲: ۸)؛ بنابراین، گستره همگانی، به‌وسیله رسانه‌های نوین و اشکال مشارکت‌آمیزتر به اندازه زیادی، گسترده و دموکراتیک شده است. از نظر این محققان، اینترنت به‌عنوان «فضایی مجازی‌ای» شناخته می‌شود که شهروندان می‌توانند مسائل سیاسی را که در مخالفت با ایدئولوژی حاکم و صداهای مسلط سیاسی است، به‌روشنی بیان کنند و «ریزحوزه‌های عمومی» را به «حوزه ملی» و حتی «جهانی» تبدیل کنند. مضاف بر این، تنوع و تکثر موجود در دنیای وب و امکان دسترسی اغلب افراد به این حوزه عمومی، اینترنت را به‌طور بالقوه، تبدیل به بزرگ‌ترین حوزه عمومی یگانه می‌کند (کریبر، ۱۳۹۰: ۳۱۶-۳۱۵). درمجموع به نظر می‌رسد ویژگی‌های حوزه عمومی، با قابلیت‌ها و ویژگی‌های اینترنت، سازگار و نشان‌دهنده پتانسیل این رسانه نوظهور برای تبدیل شدن به «حوزه عمومی» مورد نظر هابرماس است.

نکته دیگر اینکه «روش‌شناسی پست‌مدرن» با توجه به مؤلفه‌های مورد تأکید آن مثل «فروریختن قطعیت‌ها» و طرح مفهوم «شالوده شکنی»، «مورد توجه قرار دادن انواع متفاوت و متعدد قدرت، هویت و گفتمان» و «ارائه تصویری سیال و فاقد مرکز از قدرت» و «شبکه‌ای شدن قدرت» با نتایج حاصله از «انقلاب ارتباطات و گسترش فضای سایبر» و نیز آرای نظریه‌پردازانی چون «کاستلز» و «جوزف نای»

1. Democratization
2. Public sphere
3. Network
4. Public Opinion
5. Globalization

بهتر هم‌خوانی دارد؛ بنابراین، استفاده از این روش، در این‌گونه تحقیقات برای تبیین وضعیت، «واقع‌نمایی» بیشتری را نصیب پژوهشگران می‌کند.

فارغ از چهارچوب نظری تلفیقی ذکر شده که تا حدود زیادی توانایی تبیین موضوع مورد بررسی ما را به صورت کلان دارد؛ به‌طور کلی در خصوص نقش‌آفرینی تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در تحولات سیاسی خاورمیانه در ۸ سال پیش، که «دنیا را تکان دادند» (تعبیری از فرهاد خسروخاور)، «پایان یک مرحله از جوامع عربی و آغاز مرحله جدید از تاریخ این جوامع» معرفی شدند (صدر- اکبری، ۱۳۹۲: ۳۴)، یا همتای تحولات عظیمی مثل فروپاشی شوروی یا موج چهارم دموکراتیزاسیون، توصیف شدند و نوجوان سوم‌گرایان، آن‌ها را به‌عنوان چالش‌های ناشی از مداخلات قدرت‌های بیرونی نسبت دادند (هاینه بوش،^۱ ۲۰۱۶: ۱۵۰-۱۵۴)؛ سه دسته از دیدگاه‌های قابل‌احصا هستند: ۱. برخی با تکیه بر قابلیت‌های بی‌شمار فضای سایبر که بدون محدودیت در دسترس همگان قرار دارد، بر این باورند که شبکه‌های اجتماعی چون «توییتر» و «فیس‌بوک» در شعله‌ور ساختن آتش خشم مردم بسیار مؤثر بودند و بنابراین، از این انقلاب‌ها به «انقلاب‌های فیس‌بوکی و توییتری»^۲ (چیب و سهیل،^۳ ۲۰۱۱: ۱۳۹)، «ویکی انقلاب»^۴ و «اولین انقلاب دیجیتال در جهان عرب»^۵ نام می‌برند (موراشت و چاوکی^۶ ۲۰۱۴: ۶۷۴) چنانکه مجله «فارین پالیسی»^۷ با انتخاب نام «اولین انقلاب توییتری»^۸ از این حوادث ذکر می‌کند (مقالات ۲۰۱۱/۱/۱۴). نامی که با اندکی تفاوت، در مورد وقایع پس از انتخابات ایران در سال ۱۳۸۸ نیز مورد استفاده قرار گرفت. به همین دلیل «محمود هشام»، معتقد است که شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، توییتر و وبلاگ‌ها، سبب سرنگونی رژیم‌های عربی شدند (هشام،^۹ ۲۰۱۱: ۲۰۲). از این نظر شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی به‌مثابه ابزار سرکوب و نیز رهایی، دارای این توان هستند که آغازگر یک انقلاب باشند. ۲. بعضی مثل «گلدول» و دیگران نقش رسانه‌های ارتباطی در تغییرات اجتماعی در شمال آفریقا را مورد سؤال قرار داده و بر این نظرند این رسانه‌ها باعث انقلاب نشدند، اما فراهم‌کننده «بسترهای انقلاب» در این منطقه بودند، زیرا مردم به این نتیجه رسیدند، این جهان دیگر نیازی به «حاکمان مادام‌العمر»^{۱۰} ندارد. (دلانی،^{۱۱} ۲۰۱۶). شبکه‌های اجتماعی با ایجاد هماهنگی و انتشار سریع اطلاعات، عامل مهمی در سرعت بخشیدن به فرایندهای انقلابی در جهان عرب شدند،

- 1- Hinnebusch
2. Facebook and Twitter revolutions
3. Chebib and Sohail
4. WikiRevolution
5. The first digital revolution in the Arab world
6. Maurushat-Chawki
7. Foreign Policy
8. Revolution Tweeter First
9. Hesham
10. Lifetime rulers
11. Delany

بدون اینکه بتوانند مانع یا عامل انقلاب به حساب آیند (سالانوا^۱ ۲۰۱۲: ۳). شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک و توییتر، «شتاب‌دهنده»^۲ اعتراضات سیاسی بودند نه عامل آن‌ها (سایفوزمان،^۳ ۲۰۱۷: ۲۳۰)؛ بنابراین، در تحلیل تحولات سیاسی، باید به دینامیک پیچیده بین رسانه‌های اجتماعی، جنبش‌های مردمی، رسانه‌های اصلی و رژیم‌های اقتدارگرا توجه داشت. رسانه‌های اجتماعی که به بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ سیاسی امروز تبدیل شده‌اند (جیب و سهیل، ۲۰۱۱: ۵۵)، می‌توانند در تبدیل یک روند یا جنبش مردمی به یک اپیدمی اجتماعی کمک و در نتیجه سرعت رشد خود را سریع‌تر کنند.^۳ بخشی از متفکران انتقادی به تکنولوژی‌های جدید ارتباطی به‌عنوان ابزار سیاست‌زدایی و دستگاه سرگرمی تمایل دارند و بر این باورند که این ابزارها، نقش منفی در پتانسیل جنبش‌های اجتماعی بازی می‌کنند. فلیکس توسا^۴ (۲۰۱۳)، با مقایسه جنبش اعتراضی (۲۰۱۱) مصر با رویدادهای سیاسی ۱۳۸۸ ایران (۲۰۰۹)، تأثیر رسانه‌های اجتماعی در هر دو مجموعه از تظاهرات را غیرقابل‌انکار و درعین‌حال منحرف‌کننده می‌داند.

به نظر وی، توجیه برپایی اعتراض‌های مردمی در این کشورها تنها با تکیه بر اینترنت، همراه‌کننده بوده و مانند بسیاری دیگر از رویدادهای تاریخی، نمی‌تواند عللی که آن‌ها را ایجاد کرده‌اند را توضیح دهد. باین‌حال «توسا» از قیام‌های عربی در سال ۲۰۱۱ با عنوان «انقلاب فیس‌بوک» یا به‌طور گسترده‌تر «انقلاب اینترنت» نام می‌برد. شیرکی، تأثیر اینترنت در تحولات اجتماعی و سیاسی را «قدرت سازمان‌دهی بدون سازمان» فرض می‌کند که رسانه‌های اینترنتی و اجتماعی موانع ارتباطی را کاهش و باعث گسترش اطلاعات و سازمان‌دهی گروه‌ها در جنبش‌های اجتماعی شده‌اند (شرکی، ۲۰۰۸). علاوه بر این شیرکی بر نقش رسانه‌های جدید در هماهنگی اقدامات جمعی تأکید کرده و معتقد است که محدودیت اینترنت در رژیم‌های اقتدارگرا، گواه این استدلال در مورد نقش این رسانه در کارزارهای سیاسی است (شرکی، ۲۰۱۱: ۲۸-۴۱) سربرنی و خیابانی^۵ (۲۰۱۰)، استدلال می‌کنند که این درست است که تکنولوژی‌های جدید ارتباطی ابزار مؤثر در بسیج اجتماعی مردمی هستند، باین‌حال کاهش سرعت، فیلترینگ و هزینه‌های بالای سخت‌افزار، برخی از محدودیت‌هایی هستند که برای جلوگیری از دسترسی کاربران به اینترنت ایجاد شده‌اند (سربرنی و خیابانی، ۲۰۰۹). گلدول^۶ (۲۰۱۰) فرض می‌کند که توانایی رسانه‌های اینترنتی و جدید به ارتباط آسان‌تر، نمی‌تواند نقطه مثبت برای جنبش‌های انقلابی در نظر گرفته شود، زیرا این پیوندها روابط ضعیفی ایجاد می‌کنند و نمی‌توانند به اندازه کافی برای افراد، جهت شرکت در هرگونه اقدام آفلاین انگیزه ایجاد کنند؛ بنابراین، اقدام را غیرممکن می‌سازند.

1. Salanova
2. accelerator
3. Saifuzzaman
4. Felix Tusa
5. Sreberny & Khiabany
6. Gladwell

موروزوف^۱ هم معتقد است که اگر ابزار شبکه‌های اجتماعی به‌درستی استفاده نشود، می‌تواند توسط حکومت‌های خودکامه جهت حفظ قدرت با ایجاد توانایی برای نظارت بر شهروندان، مورد استفاده قرار گیرد (موروزوف، ۲۰۱۱: ۱۰). جان رهاقی (۲۰۱۲) ادعا می‌کند که، بزرگ‌ترین نفع توییت‌ر در اعتراضات منطقه، آگاه‌سازی جهان از برپایی حرکات اعتراضی (که تا قبل از آن کمتر شنیده می‌شد) در این کشورها بود (رهاقی^۲، ۲۰۱۲: ۲۰). نویسندگانی مانند مرلینا و کن به اینترنت به‌عنوان یک ابزار مفید در سازمان‌دهی نگاه می‌کنند که توانایی فراوانی برای اتصال و تعامل افراد و گروه‌ها را در خود دارد. با این حال آن‌ها تأکید می‌کنند که «تجمعات چهره به چهره برای حفظ سازمان‌دهی سیاسی در طول زمان، لازم است». (لیم و کان،^۳ ۲۰۰۸: ۷۷-۱۰۷) «به نظر چلسی زیمرمن^۴ (۲۰۱۶) در حال حاضر اینترنت به برجسته‌ترین ابزار برای بیان ایده‌های مردم در مقابل حکومت‌های خاورمیانه بدل شده است» (زیمرمن، ۲۰۱۶: ۱۹۸). وی یکی از عوامل مهم موفقیت کاربران فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را عمل یا انفعال نیروهای نظامی قلمداد می‌کند.

ما در این مجال بر آن هستیم با استفاده از یک مدل تحلیلی، به بررسی مختصر «تاثیر فضای-سایبر بر تحولات سیاسی دو کشور مصر و تونس» در خاورمیانه بپردازیم. این مدل یکی از مدل‌های ده‌گانه‌ای است که نگارنده برای توضیح و تفسیر فضای سایبر طرح و ارائه کرده است.

فضای سایبر و شبکه‌های ماهواره‌ای

نفوذه‌پذیری اطلاعاتی و شکست مرزهای جغرافیایی و خبری

امکان ارتباط مستقیم و بی‌واسطه گروه‌ها و شخصیت‌های مخالف و منتقد با شهروندان

افزایش نفوذ جریان‌های مخالف و منتقد و همگرایی نظری و عملی آن‌ها در داخل و خارج

تسهیل در تبلیغات و سودهی افکار عمومی علیه حاکمیت

ایجاد تشمت در توان و مدیریت حاکمیت برای کنترل جریان‌ات معارض و اعتراضات رو به تراید

تأثیر در عملکرد و ساخت قدرت

(ترسیم از نگارنده)

1. Morozov
2. Rahaghi
3. Lim & Kann
4. Zimmerman

ظهور اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در مصر و تونس: شکست انحصار خبری و دسترسی به اطلاعات آزاد

از سال ۱۹۹۳ که شبکه دانشگاه‌های مصر برای اولین بار به اینترنت دست یافت؛ تا پایان سال ۲۰۰۰، تنها ۷ درصد از مردم (معادل چهارصد و پنجاه هزار نفر) به اینترنت دسترسی داشتند. این آمار تا سال ۲۰۰۹ با رشدی مداوم به ۲۰ درصد (بیش از ۱۶ میلیون نفر) و در سال ۲۰۱۱ به ۲۴ درصد (بیش از بیست میلیون نفر) افزایش یافت (سالانوا، ۲۰۱۲: ۲۶). در تونس نیز به همین ترتیب تعداد کاربران اینترنت از ۱۰۰۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰، به ۳۸۵۶۹۸۴ نفر (معادل ۳۶/۳ درصد از کل جمعیت آن کشور)، افزایش یافت (سالانوا، ۲۰۱۲: ۲۷).

ظهور و گسترش این پدیده نوین، تأثیراتی را در فضای سیاسی، اجتماعی این کشورها بر جا گذاشت که نهایت آن سرنگونی حاکمیت‌های «بن علی» و «مبارک» و شروع روندی جدید در آن کشورها است. این تغییرات که بدون شک دارای زمینه‌های مختلف عینی و ذهنی بود، به شدت تحت تأثیر فضای نوین ارتباطی و شکستن انحصار خبری در آن جوامع است.

الف- ایجاد فضای رادیکال نقد و مشروعیت زدایی از حکومت

شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت را می‌توان حلقه‌های زنجیره اطلاع‌رسانی دانست که با کنار هم قرار گرفتن، قدرتی عظیم در اختیار معترضان ضددولتی در کشورهای مختلف قرار می‌دهد. در گذر زمان و در بلندمدت این رسانه‌ها باعث افزایش آگاهی توده‌های مردم نسبت به موضوعات مختلف و مقایسه وضعیت کشور و جامعه خود با کشورهای همسایه و جهان شده و چشم و گوش افراد را نسبت به اوضاع داخلی و دنیای پیرامونی باز می‌کنند. از سوی دیگر غیر از رسانه‌های جدید، هیچ جایگزین دیگری نمی‌تواند مردم را از «واقعیت‌های مگو» آگاه سازد. «مردم کشورهای خاورمیانه با ظهور ابزارهای رسانه‌ای جدید، کم‌کم واقعیت کشورهايشان را دریافته و روزبه‌روز بر آگاهی و اطلاعاتشان افزوده می‌شود. همین روند آن‌ها را با جایگاهی که باید باشند، آشنا کرده تا به فکر چاره برای انتقال بین دو جایگاه بیفتند (دهشیری و مقامی، ۱۳۹۴: ۱۶۷-۱۷۷). با گسترش شبکه‌های ارتباطی، مردم کشورهای عربی خاورمیانه با شیوه‌های جدید زیستن و نهادها و تشکیلات حکومتی و اجتماعی متفاوت آشنا شدند و همین آشنایی‌ها، خواسته‌های جدیدی را ایجاد کرد و به تدریج موجب تغییر در نگرش‌های مردم از وضعیتشان شد. افراد توانستند ارتباطی بسیار سریع با دیگر شهروندان، نه‌تنها درون کشور، بلکه در سرتاسر جهان برقرار و تقاضای استانداردهایی بهتر برای زندگی نسبت به آنچه در گذشته وجود داشته، کند. علاوه بر این اینترنت باعث شد جنبش‌های اجتماعی و اعتراض‌ها، سریع‌تر و در زمانی کوتاه‌تر نسبت به گذشته فعال شوند.

ب- تسهیل در ارتباط مستقیم افراد، احزاب و تشکل‌های مخالف حکومت برای ایجاد بسیج سیاسی گسترش اینترنت به تدریج فرصتی برای مخالفان سیاسی فراهم آورد که اعتراضات مختلف اجتماعی را سازمان‌دهی کنند. فضای بسته و سانسورهای اعمال‌شده بر رسانه‌های اصلی (رادیو، تلویزیون، مطبوعات) در کنار دیگر عوامل چون گسترش طبقه متوسط با خواسته‌های فزاینده و پاسخ‌گو نبودن حکومت و احیا و سازمان‌دهی مجدد و پویای احزاب، گروه‌ها و اتحادیه‌ها، رژیم‌های استبدادی را در معرض حملات گسترده مخالفان و ناراضیان قرار داد. تجمیع قدرت به شکل فردی از یک‌طرف و سرکوب تمامی گروه‌ها و تشکل‌ها از طرف دیگر و نیز بی‌اعتنایی به خواسته‌ها و مطالبات صنفی، قومی، اقتصادی و سیاسی شهروندان، اجماع عمومی پیرامون «فقدان مشروعیت» را ایجاد کرد. احزاب و گروه‌های مختلف اجتماعی، خصوصاً جوانان که تا پیش‌ازین در سایه استبداد حاکم، ابزار وجود در فضای اجتماعی و سیاسی واقعی را در اختیار نداشتند، درصدد برآمدند تا از راه شبکه‌های اجتماعی به تقابل با حاکمیت بپردازند؛ بنابراین، در مصر و نیز تونس، به دلیل مشکلات ذکر شده و نیز افزایش نرخ باسوادی و گسترش آموزش عالی، توسعه شهرنشینی و رشد طبقه متوسط جدید، فضای تجدیدنظرطلبانه‌ای ایجاد شد که حاصل آن ایجاد تلاطم در جامعه و برهم خوردن نظم سیاسی تحمیلی در آن کشورها بود.

ج- رشد افکار و آرای شهروندان با بازنشر نظرات منتقدان، نخبگان، احزاب و دسته‌های سیاسی

در داستان رسانه‌های دیجیتال و انقلاب اعراب چند مرحله دیده می‌شود: **مرحله اول**، مرحله آمادگی بود که فعالان سیاسی یکدیگر را از طریق روش‌های خلاقانه پیدا و انگیزه‌ها و اهداف مشترکی را برای خود تعریف کردند. **مرحله دوم**، انتشار اخباری بود که رسانه‌های دولتی از آن‌ها پرهیز می‌کردند. **مرحله سوم**، مرحله اعتراضات خیابانی بود که از طریق شبکه‌ها و هماهنگی‌های آنلاین صورت می‌گرفت (هوارد و موزامی^۱ ۲۰۱۱: ۴۲). شبکه‌های اجتماعی گفت‌وگو بین فعالان سیاسی و اجتماعی را که قادر به دعوت مردم برای اعتراض بودند، تسهیل و به آن‌ها کمک کرد تا به هماهنگی فعالیت‌هایشان بپردازند و از طریق انتشار سریع اطلاعات، تصاویر و کلیپ‌های حساسیت‌برانگیز در جلب توجه مردم داخل و خارج و تأثیرگذاری بر سیاست‌های بین‌المللی بپردازند. (آل سید غفور، ۱۳۹۲: ۱۱۰) فیس‌بوک، توئیتر و وبلاگ‌ها این امکان را به مخالفان رژیم اقتدارگرا داد تا با یکدیگر تماس داشته، به اطلاعات و اخبار دسترسی پیدا کنند؛ مردم را به تظاهرات دعوت کنند و جهانیان را در جریان تحولات کشور خود قرار دهند. البته این بخش از فعالیت عمدتاً توسط بخش خاصی از کنشگران سیاسی-اجتماعی انجام گرفت که به آن‌ها «اقلیت استراتژیک»^۲ گفته می‌شود. اقلیت استراتژیک شامل افراد حرفه‌ای تحصیل کرده و آگاه به امور، شبکه‌هایی را تشکیل دادند که از آن طریق مردم معترض را هماهنگ کرده و

1. Howard and Muzammi

2. Strategic minority

نافرمانی‌های مدنی را علیه حاکمیت به راه انداختند. بیشترین تمرکز اپوزیسیون بر نسل جوان و تحصیل کرده که بیش از ۵۰ درصد جمعیت مصر و تونس را تشکیل می‌دهد، قرار داشت. این نسل «الگوی ارتباط و مصرف محتوا» را از طریق ابزارهای متعدد دیجیتال، از جمله شبکه‌های اجتماعی، دگرگون ساخت و از این ابزار برای دستیابی به خواسته‌های خود در جهان عرب بهره می‌برد (گزارش رسانه‌های عربی، ۲۰۱۵: ۱۹). نسل هزاره، نسل تلفن هوشمند، توئیتر، یوتیوب، فیس‌بوک است و جهان را بدون اینترنت و تلفن همراه نمی‌شناسد این نسل فعال‌ترین نسل در شبکه‌های اجتماعی است؛ درحالی‌که گروه سنی بالای ۴۵ سال همچنان استفاده از برنامه‌های تلویزیون را ترجیح می‌دهد.

د- سازمان‌دهی اعتراضات گسترده سیاسی و سندیکایی

به جرئت می‌توان گفت هیچ ابزاری به اندازه شبکه‌های اجتماعی در بسیج و سازمان‌دهی اعتراضات مردمی در مصر و تونس مؤثر نبود. فعالین حزبی و کنشگران اجتماعی با استفاده از ابزارهای مذکور، تقابل با حاکمیت را به مرحله‌ای غیرقابل بازگشت سوق داده و درنهایت به هدف خود که برکناری حکومت زورگو، فاسد و ناکارآمد بود، نائل شدند.

از جمله تشکل‌ها که با تکیه بر شبکه‌های مجازی اعتراضات خود را سازمان‌دهی و خواسته‌ها و مطالبات خود را به گوش حکومت و جامعه بین‌المللی رساندند، اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی این کشورها بود. در مصر با شروع انقلاب، کارگران با برپایی بیش از ۳۰۰۰ اقدام جمعی که شامل بیش از دو میلیون کارگر مصری از سال ۲۰۰۴ بوده است، بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین جنبش اجتماعی در جهان عرب از زمان جنگ جهانی دوم را در مصر سازمان‌دهی کردند. گروه دیگری که در تحولات مصر بسیار تأثیرگذار بود، «جنبش ششم آوریل» است که در آوریل ۲۰۰۸، صفحه‌ای در فیس‌بوک ایجاد کرده و با استفاده از رسانه‌های مجازی، اخبار اعتصاب‌های کارگری را منتشر و اعتراض‌های قانونی را سازمان‌دهی می‌کردند (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۳: ۴۶). در چنین وضعیتی اگرچه بسیاری از فعالان مهم گروه دستگیر شدند، اما تجربه فعالیت‌های موفق در بسیج افراد، سبب شد هم‌زمان با تحولات سیاسی در اواخر سال ۲۰۱۰ این جنبش بار دیگر به صحنه تحولات سیاسی مصر بازگردد.

از دیگر تحولات سیاسی که ریشه در دنیای مجازی دارد، می‌توان به «راه‌اندازی کمپین‌ها» و «فراخوان‌های مخالفان» اشاره کرد که در فضای سانسور، به‌مثابه «رسانه بدیل»، با نزدیک‌تر کردن مخالفان، تهدیدهای حکومت را به فرصتی برای فعالان مخالف تبدیل کردند.

ه- بین‌المللی شدن اعتراضات و جلب افکار جهانی برای فشار بر حاکمیت‌های سرکوب‌گر

شبکه‌های اینترنتی نه تنها سرعت اطلاعات را بالا برده، بلکه تا حد فراوانی امکان ارتباط بین اشخاص در ورای مرزهای ملی را فراهم کرده‌اند. همان‌گونه که دان مورفی می‌گوید: اعتراض علیه یک دولت مستبد و خیر موفقیت آن می‌تواند الهام‌بخش معترضان برای مشارکت در اعتراضات باشد (مورفی،

۲۰۱۲: ۱۷). در مصر و تونس، شبکه‌های اجتماعی، به فعالان سیاسی این امکان را داد که صدای خود را به جهانیان برسانند (هوردا، ۲۰۱۲: ۲۰). اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای، اطلاعات آنچه در قالب ناآرامی‌های اجتماعی در صحنه واقعی روی می‌داد؛ به سرعت به سراسر دنیا مخابره می‌کردند. این امر علاوه بر اینکه مردم شهرها را از حجم اتفاقاتی که در کشورهايشان رخ می‌داد، آگاه می‌کرد، توجه افکار عمومی جهانی را به سمت وسوی این اعتراضات هم جلب می‌کرد. روابط گرم دولت‌های مصر و تونس، با دولت‌های غربی نیز باعث شد سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی پس از مشاهده تصاویر و فیلم‌های منتشره در شبکه جهانی اینترنت، این امکان را پیدا کنند که نقض اصول انسانی را در این کشورها بیشتر مورد انتقاد قرار دهند (دیده‌بان حقوق بشر، ۲۰۱۶: ۱۹). بدین ترتیب بود که مخالفان حکومت فرصتی یافتند تا صدای خود را به خارج از مرزها برسانند. در این شرایط حکومت مبارک و بن علی زیر فشار سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای غربی مجبور به اعطای امتیازات پی‌درپی به مخالفان می‌شدند.

دسترسی به اطلاعات آزاد و شکست انحصار خبری



(ترسیم از نگارنده)

به نظر «پیتر فردیناند»، اینترنت یک تهدید درازمدت برای رژیم‌های اقتدارگرا است؛ تهدیدی که این‌گونه رژیم‌ها را از مقابله مؤثر با آن ضعیف می‌سازد؛ اعتبار و مقبولیت چنین رژیم‌هایی را تضعیف و ناآرامی‌ها را تشویق می‌کند؛ اطلاعات در مورد نقض حقوق بشر و دیگر اشکال سرکوب، به‌طور فزاینده‌ای از این طریق، در سطح جهان اشاعه می‌یابد و به بسیج نیروهای سیاسی در داخل و خارج کمک می‌کند (فردیناند، ۲۰۰۳: ۱۲). کاستلز هم به نقش اینترنت در پشتیبانی سیاسی به نفع جنبش «زاپاتیست‌ها» در مکزیک اشاره می‌کند که به دلیل حمایت گسترده افکار عمومی جهانی، حکومت نتوانست به شکل وسیع به سرکوب آن بپردازد.

عمده پژوهشگران معتقدند که کاربرد رسانه‌های جدید، دولت‌های اقتدارگرا را وادار خواهد کرد تا به جامعه خود پاسخگوتر باشند. مفسران غربی حتی بر این اعتقاد هستند که رسانه‌های جدید، به عامل اصلی موج جدید «دموکراسی‌خواهی» تبدیل شده‌اند. لینچ می‌گوید که «رسانه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی در خاورمیانه و شمال آفریقا فضایی ایجاد کرده است که در آن شهروندان انحصار دولت را بر اطلاعات به چالش می‌کشند (لینچ، ۲۰۰۱: ۳۰۱-۳۱۰). ریچارد لیندسی که اطلاعات را «سلاح» معترضان دانسته، معتقد است که تبلیغات به‌عنوان بزرگ‌ترین ابزار مخالفان از طریق تکنولوژی آسان‌تر و مؤثرتر انجام می‌شود (لیندسی، ۲۰۱۳: ۲).

پس در چهارچوب این نوع از نگاه‌ها، رسانه‌های مدرن امکان دسترسی به اطلاعات و شکلی بین‌المللی از تعامل را به وجود می‌آورند که از لحاظ سیاسی ماهیتاً مردم‌سالارانه است، زیرا اگر مباحثات آگاهانه، برای زندگی دموکراتیک حیاتی است، تکنولوژی‌ای هم که این فرایند را تقویت می‌کند، می‌تواند تنها به سود نیروهای دموکراتیک جریان پیدا کند (هیرشکوب، ۱۳۷۹: ۱۲۹). صاحب‌نظران ذکر شده به محدودیت رسانه‌های جدید در منازعه بین مخالفان و نظام‌های دیکتاتوری توجه چندانی ندارند. به نظر ما هرچند این ابزارها پایان دیکتاتوری را در جهان و خاورمیانه رقم نخواهند زد، اما به تسریع تغییرات دموکراتیک کمک بسیاری خواهند کرد. در عصر قدرت نرم، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌ویژه اینترنت منبع مهمی در بسیج کنش جمعی و سازمان‌دهی جنبش‌های اجتماعی در سرتاسر جهان محسوب می‌شود (طنطاوی، ۲۰۱۳: ۱۲۱)، زیرا امروزه نهادهای اطلاع‌رسانی از کنترل دولت‌ها خارج شده است و با انتشار اطلاعات می‌توانند بر طرز نگرش و تلقی شهروندان تأثیرگذار باشند (کامارک و نای، ۲۰۱۴: ۷۸). استفاده از واژه‌هایی چون انقلاب‌های فیس‌بوکی و توییتری حاکی از اهمیتی است که نظریه‌پردازان ملهم از مکتب لیبرالیسم به نقش ابزارهای اطلاع‌رسانی جدید در هماهنگی و ارتباط میان افراد معترض قائل‌اند (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۲۹).

هرچه که باشد نمی‌توان نقش شبکه‌های اجتماعی را در تحولات منطقه نادیده گرفت. البته در کنار فناوری‌های ارتباطی، عوامل غیرتکنولوژیکی مهم دیگری مثل دهه‌ها سرکوب، به حاشیه رانده شدن سیاسی و اقتصادی، بحران مشروعیت و اقتدار دیکتاتوری‌های مادام‌العمر، مشکلات اقتصادی، نقض حقوق بشر و مهم‌تر از همه اراده مردم نیز در ایجاد خیزش‌ها نقش فراوان داشته است. «بودریار»، تصور فعلی ما از جهان را، تصویری رسانه‌ای و منتج از رسانه‌ها می‌داند که در آن نشانه‌ها و نمادهای رسانه‌ای به جای واقعیت نشست‌اند (میرکوشش، ۲۰۱۳: ۱۲۶)؛ بنابراین، با عنایت به اندیشه‌ورزی پست‌مدرن و نیز آرای افرادی مثل کاستلز، تحولات خاورمیانه قابلیت فهم‌پذیری بیشتری پیدا می‌کنند.

1. Lynch
2. Lindsey
3. Eltantawi
4. Kamark and Nye
- 5- Mirkooshesh

آنچه در مصر و تونس اتفاق افتاد دیر یا زود به سایر کشورهای منطقه سرایت خواهد کرد. «فضای دومینویی در ارتباط با تحولات این دو کشور، اجتناب‌ناپذیر است. زمانی که در محیط‌های اقتدارگرا، یک نوع ریزش انجام می‌شود که می‌تواند به محیط‌های پیرامونی خود نیز سرایت کند». (ابراهیم متقی، ۱۳۹۶) رویدادهای تونس و مصر تبدیل به شبی ترسناک برای مستبدان فاسد و الگویی برای ملت‌های تحت استبداد شده است. خاورمیانه از این به بعد، دیگر شاهد «دیکتاتوری‌های مادام‌العمر» نخواهد بود. البته دموکراسی نیازمند ساختارها و ظرفیت‌های اجتماعی است که کشورهای خاورمیانه فاقد این ظرفیت‌ها یا از این حیث به شدت فقیر هستند. دموکراسی نیازمند تحولی بنیادین در ساخت سیاسی و اجتماعی جامعه است. پروسه‌ای است که نیاز به گذر زمان و تمرین دارد. تحولات مذکور می‌تواند نقطه شروع این فرایند باشد.

نتیجه‌گیری

در پرتو رسانه‌های نوین، «قدرت جریان‌ها» بر «جریان قدرت» پیشی گرفته و شهروندان می‌توانند با استفاده از این شبکه‌ها، انحصارهای رسانه‌ای را از بین ببرند. در فضایی آکنده از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در مصر و تونس و تعداد دیگری از سرزمین‌های عربی، گسترش شبکه‌های ارتباطی باعث آشنایی هر چه بیشتر مردم با شکل‌های نوین زندگی و نهادها و تشکیلات حکومتی متفاوت شد و همین آشنایی باعث شد وضعیت ذهنی مردم و انتظارات آن‌ها از دولت‌مردان و حاکمان تغییر کند. از آن زمان به بعد، دیگر افراد با توسل به شیوه‌های سنتی مشروعیت‌سازی، اقناع نشدند و دولت‌ها خود را ناگزیر دیدند برای حفظ مشروعیت، به راهکارهای نوین و نیز تغییراتی در ساخت و عملکرد قدرت روی آورند. نظام‌های سیاسی قادر نبودند این تقاضاها را برای بلندمدت نادیده بگیرند. از این رو ناچار شدند در ساختارهای متصلب سیاسی، تجدیدنظر کرده و ظرفیت خود را برای پاسخگویی به تقاضاهای اجتماعی افزایش دهند. علاوه بر این بر اثر این تحولات، پتانسیل نیروهای سیاسی مخالف که در طول دهه‌های متوالی سرکوب و به حاشیه رانده شده بودند، آزاد شد و تعادل را به نفع نیروهای تحول‌خواه و ضدحکومتی بر هم زد. شبکه‌های اجتماعی هرچند باعث ایجاد جنبش‌ها نشدند، ولی شرط تبدیل حوادث محلی به اخبار جهانی شدند. این ابزارها به‌عنوان «نقطه کور دیکتاتورهای مدرن» (تعبیری از حسن پور، ۲۰۱۳)، دینامیک جنبش‌های اجتماعی در مصر و تونس را تغییر دادند. پس از تحولات این دو کشور، مردم در دیگر نظام‌های شمال آفریقا و خاورمیانه خواستار اصلاحات در ساختار قدرت و روند دموکراسی در کشورهای خود شدند. این خواسته منجر به شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی محدود یا گسترده علیه نظام‌های حاکم در آن کشورها شد. رسانه‌های اجتماعی علت این جنبش‌ها در منطقه نبودند، اما عامل مهمی در توسعه آن شمرده می‌شدند. از آن زمان که «ویکی‌لیکس» به مردم در مورد فساد دولت‌ها، استبدادهای حکومتی و نقض حقوق و آزادی‌های شهروندان، آگاهی داد و گروه‌های مختلف اجتماعی را به شورش و انقلاب ترغیب می‌کرد، از رسانه‌های مجازی به‌عنوان یک ابزار جنگی استفاده شد. حاصل ترکیب آگاهی‌بخشی، کمک به بسیج و سازمان‌دهی اعتراضات و بین‌المللی کردن خواسته‌ها، این شد

که نخستین «انقلاب آنالین» رخ دهد، بیش از ۱۵ کشور دچار تلاطم گردند، چهار تن از حکام به صورت اجباری از قدرت کناره‌گیری کنند، کشوری جدید تشکیل شود و اعتراضات به کل جهان عرب گسترش یابد. به همین دلیل به تعبیر «کلی شیرکی» رسانه‌های جدید، در حال تغییر «ماهیت سیاست» در کشورهای اقتدارگرا در خاورمیانه هستند. این شبکه‌ها با سرعتی شتابان در «قدرتمندتر کردن مردم، نسبت به افراد در قدرت»، در حال ایجاد دگرگونی‌های دامنه‌دار در کشورهای خاورمیانه بوده و هر روز فزون‌تر از قبل این تغییرات را وسعت و ژرفا می‌بخشند با وجود این نمی‌توان انتظار داشت که این رسانه‌ها به‌تنهایی تغییرات سیاسی به وجود آورند. پروسه تغییر طولانی است و ابزارهای نوین ارتباطی می‌توانند به این فرایند سرعت ببخشند.

کتاب‌نامه

۱. احمدزاده کرمانی، روح‌الله؛ سید آقایی، امیرمسعود (۱۳۹۳). بررسی تأثیر فیس‌بوک بر بیداری اسلامی و جنبش مردم مصر. فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، ۲۷، ۵۴-۳۷.
۲. احمدی‌پور، زهرا (۱۳۹۶). نقش راهبرد رسانه‌ای در شکل‌گیری جنبش‌های نوین اجتماعی در خاورمیانه عربی از منظر ژئوپلیتیک عمومی. فصلنامه جامعه‌شناسی جهان اسلام، ۱۰(۱)، ۲۴-۱.
۳. استونز، راب. (۱۳۹۲). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
۴. آل سید غفور، محمدتقی (۱۳۹۵). سیاست هویت و جنبش‌های اجتماعی جدید. فصلنامه علوم سیاسی، ۱۹(۷۴)، ۱۱۱-۱۴۰.
۵. امام‌جمعه زاده، سید جواد (۱۳۹۳). دومینوی تحولات بهار عربی در بستر جهانی‌شدن. فصلنامه علوم سیاسی، ۱۰(۲۸)، ۱۴۱-۱۶۲.
۶. انوشه، ابراهیم (۱۳۹۲). نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات اخیر خاورمیانه (با تأکید بر فیس‌بوک). فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۵(۱۶)، ۱۹۱-۱۶۹.
۷. بدیعی، مرجان (۱۳۹۱). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در تحولات سال ۲۰۱۱ منطقه خاورمیانه. فصلنامه جغرافیا، ۱۹، ۳۳-۱.
۸. جلایی‌پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال. (۱۳۹۱). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.
۹. حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی الگوپذیری خیزش‌های جدید خاورمیانه و شمال آفریقا، تهران. فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ۴(۱۰)، ۱۰۵-۱۲۵.
۱۰. حاتمی، محمدرضا؛ اسماعیلی، مصطفی (۱۳۹۱). تعالی گفتمان انقلاب اسلامی در جنبش‌های بیداری اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱(۴)، ۶۵-۸۴.
۱۱. حسن‌پور، نوید (۲۰۱۳). شبکه‌های اجتماعی، مانع یا محرک انقلاب؟/ایران وایر، ۱ مه
۱۲. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۱). بیداری اسلامی و جریان‌های اسلام‌گرا. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۲(۳)، ۴۰-۵.

۱۳. دهشیری، محمدرضا؛ مقامی، اسماعیل (۱۳۹۴). بیداری اسلامی و شکل‌گیری هندسه جدید خاورمیانه. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۵(۴)، ۱۸۰-۱۵۷.
۱۴. رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۲). بررسی تحولات انقلابی کشورهای عربی از منظر لیبرالیسم، سازه‌نگاری و نظریه انتقادی روابط بین‌الملل. فصلنامه روابط خارجی، ۵(۲)، ۲۲۱-۲۴۳.
۱۵. رضایی، قاسم؛ امیری، مجاهد (۱۳۹۵). واکاوی تأثیر و نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی در چگونگی وقوع انقلاب‌های تونس و مصر. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۹(۳۲)، ۱۸۰-۱۶۷.
۱۶. صدرا، علیرضا؛ اکبری، نورالدین (۱۳۹۲). تحلیل تحولات سیاسی-اجتماعی کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا از منظر نظریه سازه‌نگاری. فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۲(۴)، ۶۱-۳۳.
۱۷. عاملی، سعید رضا. (۱۳۹۲). روابط عمومی دو فضایی. تهران: سیمای شرق.
۱۸. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹). عصر اطلاعات (جلد دوم): اقتصاد، جامعه و فرهنگ. مترجمان احمد علیقلیان و حسن چاوشیان، تهران: انتشارات طرح نو.
۱۹. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹). عصر اطلاعات (جلد سوم): پایان هزاره، مترجمان افشین خاک‌باز و احد علیقلیان، تهران: انتشارات طرح نو.
۲۰. کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۳). قدرت ارتباطات. ترجمه محمد آذری، تهران: دفتر مطالعات رسانه‌ها.
۲۱. کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۴). شبکه‌های خشم و امید: جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت. ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران: نشر مرکز.
۲۲. کریبر، گلن. (۱۳۹۰). فرهنگ‌های دیجیتال. ترجمه مرضیه وحدانی تهران: نشر ساقی.
۲۳. کوه‌کن، علیرضا؛ عباسی، روح‌الله (۱۳۹۱). نقش رسانه‌ها و گروه‌های مرجع بر شکل‌گیری نگرش سیاسی دانشجویان-مطالعه موردی خیزش‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۳(۴)، ۱۳۰-۱۰۷.
۲۴. متقی، ابراهیم؛ کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۹۶). پیامدهای هویتی بیداری اسلامی و بهار عربی. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۱۳(۱)، ۷۳-۱۰۰.
۲۵. مقصودی، مجتبی؛ حیدری، شقایق (۱۳۹۰). بررسی وجوه تشابه و تفاوت جنبش‌های عربی در کشورهای خاورمیانه. رهنامه سیاست‌گذاری، ۲(۲)، ۷۳-۴۱.
۲۶. هابرماس، یورگن. (۱۳۹۲). جهانی‌شدن و آینده دموکراسی. ترجمه کمال فولادی، تهران: نشر مرکز.
۲۷. هرسیچ، حسین؛ ابراهیم، علی (۱۳۹۶). تحلیلی بر انقلاب مصر از منظر جنبش‌های اجتماعی جدید. فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ۸(۲)، ۱۲۳-۹۵.
۲۸. هیرشکوپ، کن. (۱۳۷۹). دموکراسی و تکنولوژی‌های جدید. ترجمه رضا مریدی، در کتاب «جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری: واقعیت و اسطوره»، گردآوری خسرو پارسا، تهران: انتشارات آگه.

Refrence

1. Alana Maurushat, Mohamed Chawki (2014), "The Impact of Social Networks and Mobile Technologies on the Revolutions in the Arab World-A Study of Egypt and Tunisia" 'University of Wollongong 'Laws is currently, 2014, vol. 3, issue 4, pages 1-19
2. Arab Social Media Report (2015), available at "arabsocialmediareport
3. Ahmadzadeh Kermani, Rohallah; Sayed Aghaee, Amir Massoud (2014); "The Study of the Impact of Facebook on Islamic Awakening and the Egyptian People's Movement", Tehran, Journal of Media Studies, Winter, No. 27, pp. 54-37. (*in Persian*)
4. Ahmadipour, Zahra et al. (2018), "The role of media strategy in the formation of new social movements in the Arab Middle East from a general geopolitical point of view", Tehran, Islamic Republic of Iran Journal of Sociology of the Islamic World, Vol 5, No 10, Summer, pp. 24-1. (*in Persian*).
5. Al-Seyyed Ghafoor, Mohammad Taqi (2016), ". Politics of identity and New social movements", Tehran, Political Science Journal, no. 74, Summer, Pages 140-111. (*in Persian*).
6. Ameley, Saeed Reza (2014), "Public Relations of Two Spaces," Tehran, Publishers symaye sharge. (*in Persian*).
7. Anoosheh, Ibrahim (2014), "The Role of Social Networking in the Recent changes in the Middle East (Focusing on Facebook)", Tehran, Political and International Research Quarterly, Volume 5, Issue 16, Autumn, Pages 191-169. (*in Persian*).
8. Badii, Marjan (2012), "The Role of Information and Communication Technology in the changes of the Middle East in 2011", Tehran, Geography Magazine, No. 19, Autumn and Winter, pp. 33-1. (*in Persian*).
9. Castells, Manuel (2015), "Communication Power"; translation by Mohammad Azari, Tehran, Media studies Office. (*in Persian*).
10. Castells, Manuel (2015), "Anger and Hope Networks: Social Movements in the Age of the Internet", Mojtaba Gholipour, Tehran, Markaz Publications. (*in Persian*).
11. Castells, Manuel (2010), " The information era (Volume II), Economics, Society and Culture," Translators: Ahmad Aliglian and Hassan Chavashian, Tehran, Publishers tarhe now. (*in Persian*).
12. Castells, Manuel (2010), "The information era (Volume 3): The End of the Millennium", Translators: Afshin Khakbase and Ahad Alighillian, Tehran, tarhe now Publishers. (*in Persian*).
13. Cryber, Glenn (2011), "Digital Cultures", translated by Marzieh Vahdani, Tehran, Saghi Publishers. (*in Persian*)
14. Chebib, N.K. and Sohail, R.M. (2011) "The Reasons Social Media Contributed to the 2011 Egyptian Revolution" 'International Journal of Business Research and Management (IJBRM), 2 'Pages 139-162
15. Cryber, Glenn (2011), "Digital Cultures", translated by Marzieh Vahdani, Tehran, Saghi Publishers. (*in Persian*)

16. Dehshiri, Mohammad Reza - Maghami, Ismail (2016), "Islamic Awakening and the Formation of New Middle East Geometry"; Tehran, Political Researches of the Islamic World, Volume 5, Issue 4, pp. 180-157. (*in Persian*).
17. Delany, Colin (2016), "How to Use the Internet to Change the World - and Win Elections" ,Publisher: Epolitics.com; 5 edition
18. Eltantawi, W (2011) , "Social Media In The Egyptian Revolution", International Journal of Communication, No. 2, pages 1207-1224
19. Felix Tusa (2013) , "How Social Media Can Shape a Protest Movement: The Cases of Egypt in 2011 and Iran in 2009," Arab Media and Society (Issue 17) University of Gothenburg Department of Applied Information Technology Gothenburg, Sweden, May, pages 1-19
20. Ferdinand, Peter (2012), "The Internet, Democracy & Democratication", London: Frank Cass Publisher
21. Gladwell, M. (2010), "Small Change: Why the revolution will not be tweeted", The New Yorker, 4 October. Pages 4-14
22. Norris, Pippa (2011), "Digital Divide", Cambridge University Press
23. Habermas, Jürgen (2014), "Globalization and the Future of Democracy ", translated by Kamal Fouladi, Tehran, Markaz Publishers. (*in Persian*).
24. Harseej, Hussein-Ebrahim, Ali (2018), " An analysis of the Egyptian revolution from the perspective of new social movements", Tehran, Quarterly, Contemporary Political Researches, Vol. 8, No. 2, pp. 123-95. (*in Persian*).
25. Hatami, Mohammad Reza (2015), "Investigating the Patterns of New Rises in the Middle East and North Africa, Tehran, Quarterly Contemporary Political Queries, Volume 4, Issue 10, Pages 105-125. (*in Persian*).
26. Hatami, Mohammad Reza Esmaeili, Mostafa (2012) "Excellence of the Islamic Revolutionary Dialogue in the Islamic Awakening Movements", Tehran, Political Research Quarterly of the Islamic World., Volume 1, Issue 4, Pages 65-84. (*in Persian*).
27. Hirschkop, Ken (2000), " Democracy and New Technologies ", Translation by Reza Moridi, in the book " Informatics and Capitalism Society: Reality and Myth," Collected by Khosrow Parsa, Tehran, Aghah Publishers. (*in Persian*)
28. Hesham, Mohamad (2011), "The evolution in the egyption," available at www.famoubloggers.net
29. Hinnebusch, Raymond (2016) "The international politics of the Middle East" , Manchester University Press ,second edition
30. Howard, Philip N., Muzammil M. Hussain (2011) " ,The Upheavals in Egypt and Tunisia: The Role of Digital Media" ,Journal of Democracy ,Published for the National Endowment for Democracy by the Johns Hopkins University Press Washington, DC 20004. Pages 35-48
31. Human Rights Watch "False Freedom (2016)" Online Censorship in the Middle East and North Africa" (November)
32. Imam Jumezadeh, Seyyed Javad (2015), " The Dominion of Arab Spring changes in the Basis of Globalization", Tehran, Political Sciences Quarterly, Tenth, Twenty-Eighth, Autumn, Pages 141-162. (*in Persian*)

33. Jalaepour, Hamid Reza - Mohammadi, Jamal (2012), " Late Theories of Sociology ", Tehran, nay publisher
34. Joshua Lifton and Joseph A. Paradiso(2014) ,"Extra Sensory Perception," Article in Scientific American 311(1):pages 36-41
35. Kamarck Elaine.C and Nye.Joseph S(2011) "Democracy in the Information Age", Washington, DC ,Georgetown University Press, 2011.
36. Lim, M & Kann, M. (2008) ,"Politics: Deliberation, Mobilization and Networked Practices of Agitation", in K, Varnelis, Networked Publics, Cambridge: MIT Publishers
37. Lindsey, Brink (2013), "Human Capitalism: how economic growth has made us smarter and more unequal" ,Princeton University Press.
38. Lynch ,Mona (2011) "Mass incarceration, legal change, and locale Special Issue" Special Issue on Mass Incarceration" Criminology & Public Policy , Volume10, Pages: 673-698
39. Mirkooshesh, Amir Hooshang (2012) ,"The Role of Social Networks on the Upheavals of the Middle East and North Africa" ,Journal of American Science, 8(3) ,pages1-23
40. Morozov, E and Shirky, C. (2013) ,"Digital Power and Its Discontents ", Apr. John Brockman Publisher
41. Morozov, E. (2011) ,"the Net Delusion, The Dark Side of Internet Freedom" Public Affairs, New York.
42. Racha Mourtada (2017): Influencing Societal and Cultural Change Arab , Social Media Report-Vol. 2
43. Rahaghi, J. (2012) ,"New Tools, Old Goals: Comparing the Role of Technology in the 1979 Iranian Revolution and the 2009 Green Movement", Journal of Information Policy, vol.2, pages 151-182
44. Saifuzzaman ,Mohd (2017) ,"Smart Security for an Organization " ,International Journal of Computer Applications ,Pages 33-38
45. Salanova ,Regina (2012) ,"Social media and political change: The case of the 2011 revolutions in Tunisia and Egypt" ,Institut Català Internacional per la Pau Barcelona, December
46. Shirky, C(2008), "Here Comes everybody: the power of organizing without organizations " ,Publisher: The Penguin Press HC.
47. Shehabat ,Ahmad M (2016) ,"Arab revolutions: investigating social media networks during waves of the Egyptian political uprisings that occur between 2011, 2012 and 2013," publisher: westernsydney
48. Sreberny, A & Khiabany, G. (2009) ,"The Internet in Iran: The Battle over an Emerging Virtual Public Sphere" ,in G Goggin and McLelland (ed.), Internationalizing Internet Studies: Beyond Anglophone Paradigms, Routledge, New York, p. ix
49. Khaje Sarveyi, Gholam Reza (2013), "Islamic Awakening and Islamist Currents". Tehran, Quarterly journal of political studies of the Islamic world, 2012, Volume 2, Issue 3, Pages 40-5. (in Persian) Kuhkan, Alireza -Abasi, Ruhollah (2012), "The Role of Media and Reference Groups on the Formulation

of Political Students' Attitudes-A Case Study of Islamic Rises in the Middle East, Tehran, The Political Researches of the Islamic World, Third Year, No. 4, Winter, Pages130-107. (*in Persian*)

50.Maghsoudi, Mojtaba - Heidari, Shaghayegh (2011), "A Survey on the Similarities and Differences of Arab Movements in Middle Eastern Countries", Tehran, Quarterly Journal of Policy Planning, Second Year, No. 2, pp. 73 – 41. (*in Persian*)

51.Motaghi, Ibrahim-Kazemi, Seyed Ali Asghar-Mirzaei Gegarloee, Nooshin (2018) " The Consequences of the Identity of Islamic Awakening and the Arab Spring", Tehran, Geopolitical Quarterly, 13th, No. 1, Spring, pp. 73-100. (*in Persian*).

52.Rasoul Sani Abadi, Elham (2014), "A Study of the Arab Revolutionary changes from the Point of View of Liberalism, Structuralism and Critical Theory of International Relations", Tehran, Foreign Relations Quarterly, Fifth Year, No. 2, pp. 221-243. (*in Persian*).

53.Rezaei, Qasem-Amiri, Mujahid (2017), "Analysis of the Impact and Role of the Internet and Virtual Social Networks on the Tunisian and Egyptian Revolutions", Tehran, Political Sciences Quarterly, Ninth Year, No. 32, pp. 180-167. (*in Persian*)

54.Sadra, Alireza-Akbari, Nour-e-Din (2013), Analysis of Socio-Political changes of the Arab States of the Middle East and North Africa in terms of Structural Theory, Tehran, Islamic Republic of Awakening Studies, Second Year, Autumn and Winter, 2013, No. 4, pp. 61-33. (*in Persian*)

55.Stones, Rob (2014), "The Great Thinkers of Sociology," translated by Mehrdad Mirdamadi, Tehran, Markaz Publishers. (*in Persian*).

56.Zimmerman Chelsea (2016) "Finding a Voice: Using the Internet for Free Speech and Expression in Iran" topical Review Digest: Human rights & human welfare ,pages 198-207.